



۲۰۱۹/۰۹/۱۸



م. اسحاق نگارگر

صلح با تکبر و خود بینی نمی سازد!



امروز باز امریکا خشمگین است و میخواید از عمل لغو طالبان انتقام بگیرد و از یاد می برد که این انتقام منحصر به طالب نمی ماند و گریبان هزاران افغان بی گناه را نیز میگیرد و ادامه این خشم و انتقامگیری بذر خشم و خشونت بیشتر در دلها می کارد. امریکا یک ابر قدرت جهان است و اگر به فرض محال امریکا در افغانستان بر طالبان غلبه هم کند این غلبه، غلبه قوی برضعیف است که چندان افتخاری به امریکا ندارد.

اما اگر یک بار دیگر امریکا مجبور شود و راه صلح و مذاکره را از سر بگیرد دشمن ضعیف را مغرور تر میسازد. از سوی دیگر جناب صدراعظم پاکستان در مصاحبه با رشین تو دی اعتراف کرده است که انتحاری پروری به تشویق امریکا از جانب پاکستان بر ضد شوروی طرح شده است و امروز طالبان از آنچه آن روز آموخته بودند استفاده می کنند و حال آن که این ادعا همان بُردن آب در غربال است زیرا که افغانها در آن روزگار هرگز ازیم گذاریها و آن هم در شهرها و مراکز ازدحام مردم و گشتن بیگناهان استفاده نکرده بودند صدراعظم پاکستان به شیوه غیرمستقیم میخواید دامن لکه دار شوروی سابق را از ننگ کشتن مردم بیگناه افغانستان پاک کند اما به هر صورت این تربیه پاکستان برای انتحاریان افغان و پاکستانی درسی شیطانی بوده است که پاکستان سالهای دراز از آن باید احساس سرافکندگی و خجالت کند.

برای کسانی که انسان را صرف نظر از تعلقش به این یا آن گوشه جهان دوست دارند و حتی بدبختی او را نیز نوعی مرض میدانند که باید تداوم شود و به همین دلیل است که اعدام در قوانین مدنی دنیای امروز در حال لغو شدن است میدانند که انتقام مارا از شر بدیها خلاص نمیکند اما به هر صورت امریکای ابر قدرت اگر دو هزار و پنج صد نفر تلفات داده باشد یک تن دیگر هم برایش تفاوت بسیار ندارد.

خوب است که امریکای تشدید عملیات هوایی زهرچشمی به طالبان نشان داد اما صلح در هر صورت به خیر امریکا و افغانستان هردو است. در نه ماه گذشته هردو مکتبی برپرنسیپ های اعتقادی خود نکرده اند.

حقیقت این است که تجاوز امریکا بر افغانستان اگر منافع پشت پرده را نادیده انگاریم معلول حادثه فراموش ناشدنی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ است و امریکا در آن شرایط جز حمله به افغانستان و اسقاط رژیم طالبان کاری دیگر نمیتوانست بکند. پس از سقوط طالبان امریکاییها تلاش ورزید که به جای افغانها برای شان حکومت انتخاب کند و پادرمیانی

جان کری در به وجود آوردن حکومت وحدت ملی یک پادرمیانی غیر لازم بود. در مذاکره با طالبان باید تأکید بر پایان اعمال زور بر مردم افغانستان باشد.

بنابراین اگر حکومت وحدت ملی و امارت اسلامی طالبان هر دو را نا دیده بگیریم و به مردم فرصت بدهیم که خود نظام سیاسی دلخواه خود را انتخاب کنند و به طالبان فهمانده شود که اگر آنان بر اعاده نظام امارت اسلامی و دولت بر جمهوری اسلامی افغانستان با فشاری کنند این موضوع باز افغانستان را به راه جنگ میبرد پس بگذارند که مردم در یک فرآیند فارغ از مداخله مستقیم حکومت و طالبان از سه چانس یکی را برگزینند.

امارت اسلامی طالبان، جمهوری افغانستان، نظام شاهی مشروطه مبتنی بر یک قانون اساسی مدنی و سیستم سه حزبی یکی را برگزینند و آن دوتای دیگر در چوکات مبارزات قانونی میتوانند برای نظام های دلخواه خود تبلیغ کنند. زور سالاری و جنگ برای تحمیل یک عقیده بر مردم باید پایان یابد. من مخالف لفظ اسلامی در کنار جمهوری یا امارت استم و آن را تحصیل حاصل میدانم زیرا که در یک کشور اسلامی هیچ کس نمیتواند نظام غیر اسلامی بیاورد. هیچ نظام نمیتواند با تعلیم و تربیه عصری زن و مرد به حکم دین مخالفت کند زیرا که ما در دنیای اسلام نیز دیده ایم که علم ادیان و علم ابدان (بدن ها) با هم وجود داشته اند که علم ادیان در برگزیده ادیان و علم ابدان نیز شامل طب، علوم طبیعی، اقتصاد و اداره شهرها، تاریخ و دیگر علوم اجتماعی بوده است. اگر قدرت انتخاب به مردم داده شود و مردم فارغ از زور نظام مورد پسند خود را برگزینند دیگر نه ضرورت به قوای خارجی می ماند، نه ضرورت به مداخله همسایه ها در افغانستان. این جا موضوع پرنسیپ است یعنی اگر پاکستان میخواهد در یک کشور دیگر رژیم دست نشانده ایجاد کند باید به او گفته شود که آیا خودش میخواهد برایش دیگران دولت دست نشانده تیار کنند. افغانستان با همسایه ها و دیگران سر جنگ ندارد و از همه میخواهد که به افغانستان همان را بخواهند که برای خود میخواهند. راه صلح از راه همین پرنسیپ ها باید بگذرد. اگر هر طرف بر پرنسیپ های قبول شده بین المللی بایستند راه صلح دشوار نیست اما صلح با تکبر و خودبینی نمیسازد. با عرض حرمت نگارگر ۱۴ سپتمبر ۲۰۱۹ بر منگهم

تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که سروده ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، میتوانند با اجرای "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند.

صلح با تکبر و خود بینی نمی سازد!

i_negargar_solh_ba_takabor_namesazad.pdf